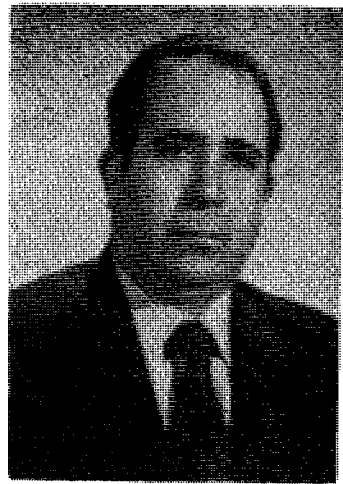


ماجرای محاکمه

پیر لاوال



ادامه بازپرسی

In y a pas de fumée
sans feu.

روز ۱۸ سپتامبر جراید خبر از خاتمه بازپرسی میدهند لیکن برای وکلای لاوال قضیه غیر قابل تصور بنظر میرسد تا آنکه روز چهارشنبه ۱۹ سپتامبر برای وکلاء لاوال (بارادوک ونو) نامه‌ای بامضاء شندکر Schnedeker یکی از مستشاران محکمه عالی جنائی میرسد که در آن تصریح شده است بر حسب دستور آقای من ژیبو

M. Mongibeaux رئیس محکمه عالی جنائی کمیسیون استنطاق موظف است روزهای پنجشنبه و جمعه در کاخ بوربون برای ساعت دو بعد از ظهر روزشنبه بیست و دو سپتامبر ساعت ۹ صبح اطلاعات تازه‌ای از موکل شما (پیر - لاوال) کسب و درغیاب آقای بتی که بمرخصی رفته است بازپرسی انجام بگیرد .

بدین ترتیب شکی باقی نمی ماند که جرائد با انتشار خبر خاتمه بازپرسی حق داشته اند چنین مطلبی را عنوان سازند .
در این هنگام وکلای لاوال نامه‌ای به

در بعد از ظهر سه شنبه ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۵ بازپرسی لاوال ادامه می یابد و موسیو بتی راجع بقوانین استثنائی سئوالاتی مینماید که بدان پاسخ داده می شود ولی بطریق اضطراب آمیزی سعی در تسریع بازپرسی بعمل می آید ، سرانجام دفاع لاوال در این روز بدانجا منتهی می گردد که وی در دسامبر ۱۹۴۲ اجازه نمی دهد زندانیان سیاسی فرانسوی را بمنطقه اشغالی آلمانها منتقل نمایند .

در روزشنبه ۱۵ دسامبر شایع می شود که دولت تصمیم گرفته است کار بازپرسی را سریعاً خاتمه دهد .

بارادوک مینویسد قبول این موضوع برایم دشوار بود زیرا در آخرین روز بازپرسی بعلت ضیق وقت جلسه ناتمام مانده و دنباله آن بهفته آینده موکول شده بود و چگونگی همیشه تصور نمود که کار شروع نشده باین زودی خاتمه یابد .

اما بعقیده لاوال شایعه بی ماخذ نیست و مسلماً تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها . لذا چنین ظواهری مبین حقایق نهانی است .

آقای بوشاردن باز پرس دیگر پرورنده مطروحه می نویسند و بسبب حذف تشریفات قانونی اعتراض و اعلام می کنند که چنانچه حق دفاع موکلشان رعایت نشود استعفاي خود را بر رئیس کانون وکلای پاریس تسلیم خواهند داشت .

بالاخره باز پرسى بر طبق آنچه پیش-بینی شده بود در سه روز ۲۰، ۲۱، ۲۲ سپتامبر صورت میگیرد و با بدأ پیرونده متشکله ای که در صندوق آقای بقی گذاشته شده و بمرخصی رفته است توجهی نمی شود .

صبح روز ۲۲ سپتامبر لاوال طی نامه ای که خطاب بوزیر دادگستری است از نحوه باز پرسى شکایت میکند و ضمن اعتراض متذکر میشود :

« من از اجرای عدالتی که بر اساس حقانیت باشد بیمی ندارم و درخواست مینمایم که آنچه مربوط بشخص من و سیاست و اعمالم میباشد کاملاً روشن گردد » .

در آخرین روز باز پرسى مسائل کم اهمیتی نظیر پرواز هواپیماهای دشمن در منطقه آزاد و وضع بد رفتاری بایهودیان و کشته شدن بعضی از افراد مطرح میشود که لاوال بدان پاسخ میدهد و مطلقاً در مورد رگوس اتهامات اساسی نظیر توطئه بر علیه امنیت داخلی و یاسازش و همکاری با دشمن مطالبی عنوان نمیکرد و مأمور تحقیق با ژست مؤدبانه ختم تحقیقات را علیرغم آمادگی لاوال جهت توضیحات بیشتر اعلام می دارد .

پس از پایان باز پرسى آنجفانی لاوال تصمیم میگیرد تا عده ای از نخست وزیران و وزیران سابق را بعنوان شهود بمحکمه معرفی نماید ولی بعداً از این فکر منصرف و در ۲۴ سپتامبر متقاعد می شود که با وجود خرابکاریهایی که در امر تحقیقات انجام گرفته مسلماً همین

ماجرای دادگستری نیز تجدید خواهد شد .
لاوال از بارادوک تقاضا می کند که اگر بتواند مسافرت خود را بوقت دیگر موکول سازد خدمت بزرگی در حق وی انجام داده زیرا هفته ای که در پیش است بسیار مهم و امکان دارد دادرسى برای هفته آینده آغاز شود و در این اوقات او نیازمند است که از هر جهت وسیله مدافعات خود را آماده سازد .

لاوال از وکیلش می خواهد تا هر چه زودتر موجبات آزادی همسرش را فراهم نماید و بعد به این احتمال که ممکن است محاکمه بلافاصله شروع شود توصیه می کند که باید بطریقه خیلی منطقی آماده دفاع از کيفر - خواست شد ، سپس مکثی نموده و میگوید گرچه محتمل است آقای من ژبیور رئیس محکمه عالی تابع منطبق نباشد !

شب ۲۵ سپتامبر بارادوک مستقیماً از محل بازداشتگاه با اتفاق Boudot (بودو) شوفر باوقای لاوال برای ملاقات مادام لاوال راهی کاخ بوربون می شود و با وی در دفتر کتابخانه بگفتگو مینشیند .

مادام لاوال از توقیف خود هیچگونه احساس ناراحتی نمی نماید ولی میل دارد ترتیبی داده شود که بمحل زندان همسرش منتقل گردد چه تا آن تاریخ هر گز از شوهرش دور نبوده و تحمل چنین وضعی برایش مشکل است وی سپس ماجرای تحقیقات خود را به این شرح بیان می کند :

ابتدا باز پرس از او سؤال می نماید که آیا بامور سیاسی اشتغال داشته اید ؟ و اگر جواب مثبت است لطفاً نوع فعالیت سیاسی خود را بیان نمایید .

مخاطب پاسخ میدهد من در میان خانواده ای سیاستمدار دنیا آمده ام که پدرم شهردار و برادرم نماینده مجلس بوده است

مادرم مورد خودم باید بگویم که هرگز نخواستام
با دخالت در سیاست و اظهار مطالبی موجبات
تصدیع و ناراحتی هم وطنانم را فراهم سازم .
من زاده نسلی بوده‌ام که طبقه زنان
نگهبان خانه و خانواده بوده و بامر سیاست
نمی‌پرداخته‌اند بهمین جهت بنا بتمایل شخصی
در هیچ مراسم و مسافرت رسمی شوهرم را
همراهی نمی‌کرده‌ام . چه وقتی رئیس دولتی
بخارج از کشور عزیمت مینماید اگر کارها
و برنامه‌های سنگینی در پیش نداشته باشد
مسلماً باید درباره مسائل مهم وجدی مذاکره
و اتخاذ تصمیم نماید لذا ترجیح می‌دادم که
نپایدمزاحم وقت و کارم سرم بشوم و برای
مراقبت بیشتر ، غالباً دخترم او را همراهی
می‌کرد .

سؤال میشود که در زمان اشغال فرانسه
چگونه بسر می‌بردید ؟

مادام لاوال جواب میدهد که از ژوئن
۱۹۴۰ در ییلاق شاتلدن بسر می‌برده و هر وقت
کار پر زحمت شوهرش تمام می‌شده بخانواده
ملحق میگشته .

او اضافه می‌کند که در این مدت ناچار
بوده شبها مکاتبات زیادی که از زندانیان و
فامیلشان دریافت می‌داشته پاسخ دهد .

مجدداً سؤال می‌شود چه کسانی را
می‌پذیرفته ؟

جواب میدهد کلیه کسانی که درخواست
یا احتیاجی داشته‌اند بدون توجه بقایید و
نظریاتشان مورد پذیرائی قرار میداده اما
بالمعکس در تمام مدت اشغال فرانسه هرگز
با آلمانها تماس و رفت و آمدی نداشته است .
سؤال می‌شود شما در لاوال خیلی
نفوذ داشته‌اید و اگر با نظریات او مخالف

بودید چرا سیاست خود را بهمان روشی که
می‌خواستہ ادامه می‌داده ؟

جواب می‌دهد بالعکس شوهرم مرا
متقاعد می‌ساخته که سیاست وی تنها طریقی
بوده که در زمان اشغال می‌توانسته‌است آرام
و بدبختی ملت فرانسه را تسکین بخشد .
سؤال می‌شود چرا لاوال از کارکناره
گیری نکرده است ؟

جواب می‌دهد شوهرم غالباً باین
فکر می‌افتاد ولی بعداً از تصمیم منصرف
میشد و می‌گفت علیرغم مشکلات حاضر نیستم
مقدرات ملتی را بحوادث بسپارم .

آخرین سؤال این است که چرا
حاضر شدید از کشور فرانسه خارج شوید ؟

مادام لاوال جواب می‌دهد که چون
بسلامتی و تأمین شوهرم علاقمند بودم و در
واقع میدانستم که در آلمان بصورت زندانی
در خواهد آمد و حسن وطن پرستی یا اجازه
نمیدهد در خارج از قلمرو فرانسه بنام حکومت
قیام و اقدامی نماید بنابراین همه‌جا او را
همراهی کردم در حالیکه تا آخرین لحظه
تحت نظر دو گشتاپو قرار داشت .

روز ۳۰ سپتامبر مادام لاوال طی
نامه‌ای بوزیر دادگستری مینویسد :

از ۱۷ اوت ۱۹۴۴ که بامر آلمانها
تبعید شده همه جا در تبعید گاه باوی بسر
برده است و چون اینک از او دور افتاده تنها
آرزوی این است بشوهرش ملحق شود و از
سلامتی او مراقبت نماید و بسیار سپاسگزار
خواهد بود اگر درخواستش مورد قبول واقع
گردد اما متأسفانه هرگز با چنین تقاضائی
موافقت نمی‌شود .

کیفر خواست صادره علیه

پیرلاوال

علیه لاوال توسط موسیو مرنه
M. Mornet دادستان محاکمه عالی
جنائی دوقره کیفر خواست صادر شده که
اولی در ۱۳ ژوئن ۱۹۴۵ قبل از مراجعت
لاوال بفرانسه (بمنتظر انجام محاکمه
غیابی) فقره دوم در ۲۶ سپتامبر بعد از
بازگشت و توقیف نامبرده . اتهامات لاوال
بموجب کیفرخواست اول بطور خلاصه بدین
شرح است :

۱ - متهم این پرونده که قبل از جنگ
جهانی دوم چندین بار وزیر و نخست وزیر
بوده و ثروت زیادی بر اثر مدارج مختلفه
سیاسی بدست آورده در ژانویه ۱۹۳۶ بواسطه
عدم موفقیت در راه حل مسئله پیشنهادی حیشه
که با ایتالیا در جنگ بوده است کابینه اش
ساقط می شود و بهمین علت نسبت بدولت
انگلستان که تصور نموده در سقوط حکومتش
دخالت داشته و هم چنین با پارلمان فرانسه
کینه سختی بدل می گیرد .

۲ - از آغاز جنگ چنین بنظر می-
رسد که لاوال در مذاکرات صلح آمیز باین
ادعا که با موسولینی رئیس دولت ایتالیا
روابط دوستانه دارد دخالت داشته و در صدد
بوده است که با تغییر رژیم قانونی و بدمک
ایتالیا از دخول فرانسه در جنگ خودداری
و یکنوع سیستم حکومت شبیه دوچه (موسولینی)
در فرانسه مستقر سازد .

۳ - پس از وقوع حوادث جنگ در
مه ۱۹۴۰ لاوال در صدد مقدم اشخاصی قرار
داشته که خواستار مزار که جنگ با آلمانها
بوده اند و بهمین جهت پس از استعفاء پل -
رینو Paul Reynaud سه روز بعد از
تشکیل کابینه پتن بصویت دولت انتخاب

و نقش مؤثر خود را از ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۰
آغاز می نماید .

۴ - بدون چون و چرا لاوال عامل
مسئولی بوده است که با تهدید و آنتریک
مانع شده رئیس جمهور و اعضاء مجلسین و
وزراء دولت فرانسه بشمال آفریقا عزیمت
نموده و بر علیه آلمان نازی به پیکار ادامه
دهند .

۵ - وی متهم است که بنیروی دسیسه
و وعده و وعید مجلس شورای ملی را وادار
کرده است که اختیار تامه را بمارشال پتن
تفویص نماید و با حذف مقام ریاست جمهوری
و انحلال پارلمان بعنوان نخست و زیر همه
اختیارات را برای خود در یکجا جمع سازد .

۶ - با استقرار رژیم مطلقه پتن و
لاوال تحت حمایت اشغالگران نخستین
قانون بر علیه یهودیان بتصویب میرسد و آنان
را بتقلید از آلمانها از حقوق اجتماعی محروم
می سازند .

۷ - اتهام مهم لاوال ملاقات با هیتلر
در من تواروز مینه سازی بمنظور انعقاد قرار
داده مکاری و گذاشتن کلیه منابع و وسائل
ارتباطی کشور در اختیار دشمن است که عمل
مشمول ماده ۷۵ قانون مجازات عمومی
فرانسه می باشد .

۸ - بعد از اختلافاتی که بین پتن و
لاوال رخ میدهد و منجر بپر کناری از
دولت و توقیف وی می شود با مداخله آلمانها
و هیاهوی جراید دول محور مجدداً بریاست
دولت انتخاب می گردد تا حکومت مورد
دلخواه آنها را تشکیل داده و یهودیان و
فرانماسونها و کمونیستها و سازمانهای
مقاومت را تحت فشار قرار بدهد .

کیفر خواست حاکی است که بدستور
رئیس دولت شهر بانی در اختیار گشتاپو گذاشته

شده تا موجبات توقیف ۲۲ هزار نفر فرانسوی از شب ۱۵ تا ۱۶ ژوئیه در پاریس فراهم گردد .

۹ - بدون هیچگونه ملاحظه‌ای لاوال ستیزه جوئی خود را باملت فرانسه آغاز و در نطق رادیوئی ۲۲ ژوئن پیروزی آلمانها را آرزومی نماید (مؤلف و مترجم - این قسمت از ادعای نامہ معجول و هرگز پیر لاوال چنین نطقی را ایراد ننموده) .

۱۰ - برای پیروزی نظامی دشمن لاوال عده‌ای از کارگران را به آلمان اعزام می‌دارد تا در کارخانجات اسلحه سازی به کار مشغول شوند ادعا می‌نماید که بدین طریق خواسته است عده‌ای از زندانیان فرانسوی را بخاک وطن برگرداند .

۱۱ - دو ماه بعد از واقعه و اعزام عده‌ای کارگر به آلمان لاوال در نطق خود اعلام داشته که آزادی زندانیان موکول به خاتمه جنگ و پیروزی آلمان است (بموجب مدارک مثبت لاوال باین کیفیت نطقی ایراد ننموده - مؤلف و مترجم) .

۱۲ - با اعمال فشار صدور کارت جیره بندی و مراقبت در اشتغال بکار کارگران و تعیین حداقل دستمزد تریبی اتخاذ گردیده که عده‌ای موفق بیافتن کار نشوند و با افزایش عده بیکاران الزاماً آنانرا برای خدمت به آلمان اعزام دارند .

۱۳ - در بخشنامه مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۳ که بفرمانداران ابلاغ گردیده تذکر داده شده پزشکانیکه برخلاف واقع گواهی عدم صحت مزاج برای اشخاص صادر می‌نمایند از اشتغال بکار محروم خواهند شد . وسستی

در اینباره موجب تعقیب و توقیف مسئولین خواهد بود چه دولت تعهد نموده که ۲۲۰۰۰۰ کارگر به آلمان اعزام دارد .

۱۴ - پتن لاوال ترجیح داده‌اند که ناوگان فرانسه در تولون غرق بشوند و بدست فرانسه آزاد و متفقین نیفتند تا بر علیه آلمان نازی بکار گیرند .

۱۵ - لاوال بطور آشکارا و بفتح اشغالگران بر علیه انگلیس و امریکا و قوای فرانسوی مقیم در الجزایر و مراکش که با آنها می‌جنگیده‌اند اقداماتی انجام داده تا به آسانی موفق شده‌اند قوای خود را در بیزرت (خاک تونس) پیماده نمایند و ارتش در حال عقب نشینی رمل را از خطر انهدام حتمی نجات دهند .

۱۶ - بهنگامیکه آلمان در حال شکست خوردن بوده و فرانسویان امیدوار می‌شده‌اند لاوال طی نطقی تهدید نموده که سزای مقاومت و خیانت بر علیه رژیم توقیف و مجازات بوده و چه خوبست گمراهان براه راست هدایت شوند .

وی در چنین وضعی اعلام داشته که علیرغم تصرف شمال آفریقا بوسیله قوای امریکا ارتش آلمان قوی باقی مانده و شکست ناپذیر خواهد بود .

۱۷ - دادستان در پابان کیفر خواست بسبب خیانت سیاسی و اخلاقی و تسلیم فرانسه باشغالگران با توجه بدلائل تقدیمی بدادگاه تقصیر لاوال را برای جلب بمعکمه عالی جنائی کافی تشخیص داده و درخواست مجازات او را نموده است .

(ادامه دارد)